به هرزگی آمد

و هستیِ چسبنده اش به گوشه ی دیوار باغ:

تجسّمِ بی ریشه گانِ پلشت.

نسیم رام

که تابِ هرزگی اش نیست،

به ناگهان

علف به پنجه ی خشم

کند و گذشت .

نسیم رام

که تابِ هرزگی اش نیست

**به باز گشتنا به زمزمه می گفت: **

غرور و شوکتِ باغ

همیشه بیدار است،

اگرچه یک علف از هر کجا که بروید

به نیشخنده بگوید

که باغ

بیمار است!

---

7 می 2014، **واشینگتن**